

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

درس چهل و دوم - عملیات برای اویلالیا

پاولا و فیلیپ یک قدم به حل معما نزدیک تر شده اند. حالا آنها می دانند که اشعه های لیزری از کجا می آیند. اما اویلالیا هنوز از تور تحقیقاتی اش بر نگشته است. چه اتفاقی ممکن است افتاده باشد؟

بعد از آنکه پاولا و فیلیپ مرکز اشعه های لیزری را شناسایی کردند، به Optikwerk خبر می دهند تا جریان کاملاً روشن شود. اما آنها قبل از هر چیز نگران اویلالیا هستند که نا پدید شده است. هر دو خیر نگار ما صدای فریاد مشکوکی شنیده اند. آیا برای اویلالیا اتفاقی افتاده است؟

حالا بعد از این همه اضطراب، شنوندگان می توانند با درس گرامر کمی نفس تازه کنند. آقای پروفیسور در باره ضمیر ملکی سوم شخص مفرد "sein" و "ihr" درس می دهد.

Manuskript der Folge 42

مجری:

شنوندگان گرامی، درود بر شما. شما را به شنیدن چهل و دومین بخش از سری برنامه آموزش زبان آلمانی *Radio D* دعوت می‌کنم. فیلیپ و پاولا در کشف علت ترور لیزری در شهر ینا پیشرفتی داشته‌اند. بر اساس مشاهدات اویلالیا، پاولا و فیلیپ کاملاً یقین دارند که پرتوهای لیزری از طبقه هفتم این مجتمع صنعتی عدسی‌سازی می‌آید. به همین منظور، فیلیپ و پاولا شتابان به مجتمع صنعتی باز می‌گردند.

Paula

Hallo, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp

Willkommen ...

Paula

... bei Radio D.

Philipp

Radio D ...

Paula

...die Reportage.

مجری:

به این صحنه گوش کنید و به واکنش آن مرد توجه کنید.

Szene 1: Vor dem und im Optikwerk

Paula

Philipp, los, komm schnell, wir müssen sofort im Optikwerk Bescheid sagen.

Philipp

Und wem bitte?

Paula

Das sehen wir dann schon.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Dame

Guten Abend. Sie waren doch vorhin schon hier. Kann ich ...?

Paula

Bitte, es ist sehr wichtig. Können wir Herrn ... äh – wie war noch mal sein Name? – noch einmal sprechen?

Dame

Sie meinen Herrn Roth? Er muss jeden Moment wieder da sein, hier sind noch sein Mantel und seine Tasche. Um was geht es denn?

Pressesprecher

Guten Abend. Sie waren doch vorhin schon hier. Kann ich noch etwas für Sie tun?

Philipp

Wir haben gerade gesehen, wie ein Laserstrahl aus dem 7. Stock kam.

Dame

Da ist doch das Labor.

Paula

Eben, deshalb sind wir ja hier! Bitte, es ist eilig.

Philipp

Können wir nicht mal nachsehen, wer da im Labor ist?

Paula

Vielleicht ist Eulalia ja noch da oben und verletzt!

Pressesprecher

Keine Panik, bitte! Es gibt überhaupt keinen Grund zur Panik. Ich informiere den Sicherheitsdienst. **Meine** Leute sehen dann nach, nicht Sie!

Dame

Wer ist denn Eulalia?

مجری:

مرد آرام و خونسرد نسبت به اظهارات آنها واکنش نشان می‌دهد، یا حداقل وانمود می‌کند که خونسرد است. او می‌گوید هیچ دلیلی برای نگرانی وجود ندارد.

Pressesprecher

Keine Panik, bitte! Es gibt überhaupt keinen Grund zur Panik.

مجری:

فیلیپ می‌پرسد که آیا او و پاولا می‌توانند از آزمایشگاه بازدید کنند و ببینند چه کسی در آنجا مشغول کار است. البته باید اعتراف کرد که این تقاضا خیلی جسورانه است.

Philipp

Können wir nicht mal nachsehen, wer da im Labor ist?

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

مجری:

پاولا بی‌درنگ به اوایلایا می‌اندیشد و نگران آن است که مبادا او VERLETZT یعنی مجروح شده باشد.

Paula

Vielleicht ist Eulalia ja noch da oben und verletzt!

مجری:

سخنگوی مطبوعاتی مجتمع در برابر شنیدن نام اوایلایا و کلمه مجروح از خود هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد؛ اما قاطعانه یادآور می‌شود که او نیروی انتظامی مجتمع را مطلع خواهد کرد. و این تنها نیروی انتظامی مجتمع است که می‌تواند نگاهی به آزمایشگاه بیاندازد و فیلیپ و پاولا از چنین حقی برخوردار نیستند.

Pressesprecher

Ich informiere den Sicherheitsdienst. **Meine** Leute sehen dann nach, nicht Sie!

مجری:

اما اجازه بدهید بشنویم که پیش از گفت‌وگوی فیلیپ و پاولا با آن مرد چه اتفاقی افتاده است: فیلیپ و پاولا شتابان خود را به مجتمع صنعتی می‌رسانند، آنها آمده‌اند موضوع را BESCHIED SAGEN یعنی اطلاع دهند.

Paula

Philipp, los, komm schnell, wir müssen sofort im Optikwerk Bescheid sagen.

مجری:

و برای این که بتوانند با فردی ذی‌صلاح در این باره صحبت کنند، پاولا بی‌درنگ خواستار ملاقات با فرد معینی می‌شود که نامش را فراموش کرده است.

Paula

Bitte, es ist sehr wichtig. Können wir Herrn ... äh – wie war noch mal sein Name? – noch einmal sprechen?

مجری:

زنی که مسوول پذیرش مراجعه کنندگان است نام این مرد را می‌گوید. و به آن دلیل که کیف و بارانی آن مرد آنجاست، او مطمئن است که این مرد باید هر لحظه بیاید.

Dame

Sie meinen Herrn Roth? Er muss jeden Moment wieder da sein, hier sind noch sein Mantel und seine Tasche.

مجری:

این خانم مایل است بداند که موضوع بر سر چیست.

Dame

Um was geht es denn?

مجری:

در این بین، آن مرد واقعا باز می‌گردد. فیلیپ به اطلاع او می‌رساند که او و پاولا چند لحظه پیش شاهد پرتوی لیزری بودند که از طبقه هفتم این مجتمع صنعتی می‌آمد.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Philipp

Wir haben gerade gesehen, wie ein Laserstrahl aus dem 7. Stock kam.

مجری:

پاولا که خیلی نگران غیبت اویلالیاست، یک ای-میل برای کومپو می‌فرستد.
به صحنه بعد گوش کنید و به واژه‌های کلیدی LASERSTRAHL یعنی پرتو لیزری، SCHREI یعنی فریاد و BLENDEN یعنی کور شدن توجه کنید.

Szene 2: In der Redaktion

Josefine

Wo sind denn Philipp und Paula?

Jan

Sie sind noch in Jena.

Compu

Oh, das klingt gar nicht gut. Hört mal, eine E-Mail von Paula.

Compu

Hallo, bitte sofort melden!

Jan

Josefine, mach doch mal den Staubsauger aus! Man versteht ja überhaupt nichts.

Compu

Wisst ihr, wo Eulalia ist? Sie ist um das Optikwerk geflogen. Dann war da plötzlich ein Laserstrahl und dann haben wir nichts mehr von ihr gehört und gesehen. Vielleicht hat sie der Laserstrahl verletzt!! Bitte meldet euch!! Paula.

Josefine

Eulalia ist verletzt? Das ist ja schrecklich.

Compu

Vielleicht, Josefine, vielleicht.

Jan

Vielleicht hat der Laserstrahl Eulalia ja nur geblendet.

Josefine

Das versteh ich nicht.

Jan

Licht blendet Eulen viel stärker als Menschen, sie haben ja ...

Compu

Ihr könnt später diskutieren. Jan, ruf jetzt bitte Paula an. Du hast doch ihre Handynummer?

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Jan

Ja, hab ich.

مجری:

آیا به یاد دارید؟ در همان لحظه‌ای که اوایلایا سرگرم پرواز در مجتمع بود، یکباره مجددا شاهد پرتوی لیزری بودیم و اوایلایا جیغ زده بود. می‌دانیم که یک پرتوی لیزری می‌تواند بسیار خطرناک باشد و از همین رو پاولا نگران مجروح شدن احتمالی اوایلایا در اثر اصابت با این پرتو است.

Compu

Sie ist um das Optikwerk geflogen. Dann war da plötzlich ein Laserstrahl und dann haben wir nichts mehr von ihr gehört und gesehen. Vielleicht hat sie der Laserstrahl verletzt.

مجری:

پرتوی لیزری بسیار نورانی است. یان به این علت حدس می‌زند که اوایلایا در اثر تابش زیاد این پرتوی لیزری برای لحظه‌ای **کور شده باشد** و فریاد او نیز به همین علت بوده است. یان توضیح می‌دهد که چشمان جغدها در برابر تابش نور بسیار حساس‌تر از چشمان آدمیان است.

Jan

Vielleicht hat der Laserstrahl Eulalia ja nur geblendet.

Jan

Licht blendet Eulen viel stärker als Menschen, sie haben ja ...

مجری:

توضیحات یان به یوزفین ناتمام می‌ماند، چون کومپو با این یادآوری که او می‌تواند بعدا با یوزفین در این رابطه صحبت کند، حرف او را قطع می‌کند...

Compu

Ihr könnt später diskutieren.

مجری:

به هر حال نمی‌بایست فراموش کرد که پاولا نگران اوایلایا است و از دفتر رادیو تقاضا کرده در این رابطه با او تماس بگیرند.

Compu

Bitte meldet euch!!

مجری:

و به همین خاطر یان باید به تلفن همراه پاولا زنگ بزند. در ضمن، کلمه **Handy** معادل آلمانی تلفن همراه است. کومپو از یان می‌پرسد که آیا او شماره تلفن همراه پاولا را دارد.

Compu

Jan, ruf jetzt bitte Paula an. Du hast doch ihre Handy-nummer?

مجری:

در حالی که در دفتر رادیو همکاران بر سر احتمال مجروح شدن اوایلایا با صرفا ناپیوستگی موقت او در اثر تابش نور مشغول گمانه‌زنی هستند، فیلیپ و پاولا در مجتمع صنعتی عدسی‌سازی منتظر دانستن نتیجه بازرسی نیروهای انتظامی‌اند.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

همین لحظه دو نفر از نیروهای انتظامی به همراه زنی که در بین آن دو نفر است، از پله‌ها پایین می‌آیند. به این صحنه گوش کنید و توجه کنید که آیا فیلیپ و پاولا به اطلاعاتی که در جستجویش بوده‌اند، دست می‌یابند.

Szene 3: Im Optikwerk

Frau

Tut mir ja so Leid, ich wollte nur ...

Mann vom Sicherheitsdienst

Ja, ja, das können Sie gleich Herrn Roth erklären.

Mann vom Sicherheitsdienst

So, da isse.

Pressesprecher

Sie waren also im Labor.

Frau

Ja.

Pressesprecher

Und was haben Sie da gemacht?

Paula

Haben Sie dort eine Eule gesehen?

Pressesprecher

Ich bitte Sie! Sie haben uns einen Tipp gegeben, vielen Dank auch. Aber jetzt stelle **ich** die Fragen.

Philipp

Können wir die Frau kurz interviewen?

Pressesprecher

Habe ich mich nicht deutlich genug ausgedrückt? Keine Fragen, kein Interview! Gute Nacht!

Philipp

Na dann gute Nacht.

مجری:

متأسفانه فیلیپ و پاولا اطلاعات جدیدی به دست نمی‌آورند. سخنگوی مطبوعاتی مجتمع مایل است که به تنهایی موضوع را روشن کند.

Pressesprecher

Ich bitte Sie! Sie haben uns einen Tipp gegeben, vielen Dank auch. Aber jetzt stelle **ich** die Fragen.

مجری:

و همین که فیلیپ مجدداً اصرار می‌کند، آن مرد با اوقات تلخی می‌پرسد که آیا او به اندازه کافی روشن و صریح سخن نگفته است.

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Pressesprecher

Habe ich mich nicht deutlich genug ausgedrückt? Keine Fragen, kein Interview! Gute Nacht!

مجری:

و معنی Gute Nacht یعنی شب بخیر در اینجا این است که زود از اینجا بروید... به این ترتیب آنها پاولا و فیلیپ را بیرون می‌کنند، اما طبیعتاً ما با پروفیسورمان چنین رفتاری نمی‌کنیم.

Paula

Und nun kommt – unser Professor.

Philipp

Radio D ...

Paula

... Gespräch über Sprache.

پروفیسور:

بله، سخنگوی مطبوعاتی مجتمع امروز خیلی صریح و روشن گفت که حق تصمیم در اینجا با چه کسی است. او ابتدا تعیین کرد که چه کسی از حق بازرسی از آزمایشگاه برخوردار است. در این رابطه وی از ضمیر ملکی MEIN، یعنی مال من استفاده کرد و گفت: "افراد من آنجا را بازرسی خواهند کرد."

Sprecher

Meine Leute sehen dann nach.

مجری:

آقای پروفیسور، شنوندگان ما با این ضمیر ملکی آشنایی دارند...

پروفیسور:

بله، من می‌خواستم صرفاً موضوع را یادآوری کنم، چون در برنامه امروز نگاهی خواهیم داشت به یکی دیگر از ضمائر ملکی در زبان آلمانی: به ضمیر ملکی سوم شخص مفرد. آیا می‌توانید در مثالی که می‌شنوید ضمیر ملکی را تشخیص دهید؟

Sprecher

Sie meinen Herrn Roth?
Hier ist sein Mantel.

مجری:

موضوع بر سر کت بارانی آقای روت است. و ضمیر ملکی که به کار می‌رود عبارت است از SEIN.

پروفیسور:

چه خوب که شما گفتید این بارانی متعلق به چه کسی است!

چون در ارتباط با سوم شخص مفرد، انتخاب ضمیر ملکی وابسته به جنسیت "صاحب" آن چیز است. حتی اگر موضوع بر سر تملک چیزی نباشد، بلکه بر سر تعلق چیزی به کسی باشد. اگر جنسیت اسم ما مذکر باشد، آنگاه ما از ضمیر ملکی SEIN استفاده می‌کنیم.

Sprecher

der Mann
Wie war sein Name?

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!

DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

پروفیسور:

و هرگاه ضمیر ملکی مربوط به اسمی شود با جنسیت مونث، آنگاه ضمیر ملکی عبارت است از **IHR**.

Sprecher
die Frau

Sprecherin
Wie war ihr Name?

مجری:

ضمیر ملکی اما صرف هم می‌شود، یعنی تغییر شکل می‌دهد.

پروفیسور:

دقیقا، شنوندگان ما البته با ضمائر ملکی دیگر آشنایی دارند. شکل ضمیر ملکی وابسته است به حالت دستوری و همچنین به جنسیت اسمی که ضمیر ملکی پیش از آن می‌آید. در این رابطه، این دو مثال را بشنوید. به پسوند یا پایانه „-e“ که پیش از اسمی مونث می‌آید توجه کنید.

Sprecher
eine Tasche

Sprecherin
Das ist ihre Tasche.

Sprecher
Das ist seine Tasche.

Sprecher
die Handynummer von Philipp
Hast du seine Handynummer?

Sprecherin
die Handynummer von Paula
Hast du ihre Handynummer?

مجری:

با سیاست فراوان از شما، آقای پروفیسور. شنوندگان گرامی، شما در برنامه بعدی متوجه خواهید شد که این زن جوان چه هدفی را در ارتباط با تولید پرتوهای لیزری در شهر ینا دنبال می‌کرده است.

Paula
Bis zum nächsten Mal, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp
Und tschüs.

آنچه شنیدید سری دوم آموزش زبان آلمانی رادیو D بود، تهیه شده توسط انستیتو گوته و رادیو دوپچه وله

Herrad Meese

Ihr Deutsch ist unser Auftrag!
DW-WORLD.DE/radioD

© Deutsche Welle